

بررسی میزان رضایتمندی شهروندان از عناصر شکل دهنده‌ی تعلق خاطر (مطالعه موردی: شهر رشت شهرک مسکونی گلها)

دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۱۲ پذیرش نهایی: ۹۸/۷/۱۹

صفحات: ۲۳۹-۲۲۳

متین فرزیدی: دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، مؤسسه آموزش عالی دیلمان لاهیجان، گیلان، ایران^۱.

Email: farzidi1375@gmail.com

رضا پرویزی: مربی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی دیلمان لاهیجان، گیلان، ایران.

Email: Reza.parvizi@deylaman.ac.ir

مریم دانش شکیب: مدرس مؤسسه آموزش عالی دیلمان لاهیجان، گیلان، ایران

Email: daneshshakib_maryam@yahoo.com

سید رضا آزاده: دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: Seyedrezaazadeh@yahoo.com

چکیده

امروزه در راستای ساخت و ساز شهرک‌ها نکته‌ی قابل توجه، عدم وجود تعلق خاطر می‌باشد که با معیارهایی از جمله عدم جذابیت‌های محیطی و کیفیات بصری، عدم خوانایی، امنیت و غیره خود را نشان می‌دهد. این عوامل بر ارتباط افراد با محیط پیرامونشان و به طبع رضایتمندی آن‌ها تأثیرگذار خواهند بود. شهرک گلها، با مشکلات متعددی از جمله عدم وجود فضایی برای تجمع، نبود نگهداری و سردرگمی فضایی، نامتناسب بودن ساختار ظاهری بناهای جدید احداث شده نسبت به بناهای قبلی و مهم‌تر از همه وجود زمین‌های خالی و بلااستفاده روبه‌رو است. روش تحقیق به‌کارگرفته شده در این پژوهش، ترکیبی شامل مجموعه‌ای از روش‌های توصیفی-تحلیلی می‌باشد. گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی میدانی و اسنادی صورت گرفته است. نمونه‌ی آماری تحقیق، بر اساس جمعیت شهر رشت، ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. با توزیع ۴۲۰ پرسشنامه به دلیل عدم بازگشت، در نهایت ۳۸۶ پرسشنامه صحیح پاسخ داده شد. تحلیل پرسشنامه‌ها توسط نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. سنجش میزان انتخاب، نفوذپذیری و خوانایی نیز با روش space syntax و تحلیل هم‌پیوندی و اتصالات، در مسیر مجاور شهرک گلها صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که تأثیرگذاری معیارهایی چون خوانایی، امنیت و نفوذپذیری در حد متوسط است. تناسبات بصری، عملکرد عناصر و دسترسی، تأثیر زیادی بر افزایش رضایتمندی ساکنین دارند. در نتیجه به‌کارگیری الگوهای معمارانه، در نظرگرفتن فضاهای مکث و حرکت، ایجاد کاربری‌های مدیریتی، جلوگیری از انبوه‌سازی و احداث پارک درون محوطه از جمله راهکارهایی به منظور ایجاد تعلق خاطر در راستای افزایش رضایتمندی می‌باشند.

کلید واژگان: مجتمع مسکونی، تعلق خاطر، رضایتمندی، space syntax، شهرک گلها، رشت

۱. نویسنده مسئول: گیلان، لاهیجان، مؤسسه آموزش عالی دیلمان

مقدمه

آمار و اطلاعات دریافتی از گزارش‌های بین‌المللی حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۷، بیش از نیمی از جمعیت جهان در نقاط شهری ساکن شدند (Barresi and Pultrone, 2013: 62). این در حالی است که تا یک قرن قبل از آن تنها ۱۳ درصد از جمعیت جهان در نقاط شهری زندگی می‌کردند. رشد جمعیت شهری به‌گونه‌ای است که امروزه ۴ درصد از سطح کره زمین را نواحی شهری به خود اختصاص داده‌اند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ این سطح نسبی، به ۶۵ درصد برسد (Gargiulo and Zucaro, 2015: 82). بنابراین در نیم قرن اخیر بواسطه افزایش شهرنشینی که امروزه مهم‌ترین جنبه‌های تغییر جهانی است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۷) به منظور تامین اسکان افشار مهاجر و یا تازه شهرنشین و جلوگیری از عوارض ناشی از تراکم‌های جمعیتی، احداث شهرک‌های مسکونی امری اجتناب‌ناپذیر شده‌است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰). در واقع، در دهه‌های اخیر به دلیل تغییر در ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی و نگرش‌های فرهنگی، تنوع فزاینده‌ای در بازار مسکن اتفاق افتاده‌است که تأثیر بسیاری بر شکل‌گیری مجموعه‌های مسکونی داشته‌است (معینی و اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۸). در این چارچوب مسئله پژوهش عدم توجه به مباحث کیفی و همچنین رعایت نکردن اصول شهرسازی انسان‌محور در برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های مسکونی است. این موضوع موجب نارضایتی ساکنان از مجتمع‌های مسکونی و پایین آمدن حس تعلق ساکنان به محیط سکونت خویش شده‌است. بنابراین انجام پژوهش‌هایی در رابطه با میزان رضایت‌مندی سکونتی و تعلق خاطر در شرایط فعلی کشور از ضرورت بالایی برخوردار است.

رضایت‌مندی سکونتی را می‌توان وضعیتی بیان کرد که ساکنان علاوه بر مسائل و تسهیلات کالبدی، بر مسائل اجتماعی و فرهنگی و مناسبات بین ساکنان نیز توجه و از کیفیت آن‌ها در محیط مسکونی خود رضایت دارند (حاجی‌حسینی و شهابیان، ۱۳۹۱: ۲۶۰). همچنین رضایت‌مندی سکونتی، یک وضعیت عملی تأثیرگذار است، که فرد در محیط سکونتی خود تجربه می‌کند و این وضعیت سبب بروز رفتارهای معین از جانب شخص می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۵: ۵۳). رضایت‌مندی خانوارها از محیط سکونت بر پایه آرمان‌ها، نیازها و توانایی‌های آنان شکل می‌گیرد. نابرابری میان این سه عامل و وضعیت موجود، موجب نارضایتی و در نتیجه جابجایی آن‌ها می‌شود. (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰). یکی از موضوعات مرتبط با رضایت‌مندی تعلق خاطر است. در واقع تعلق خاطر و رضایت‌مندی از مؤلفه‌های مرتبط با یکدیگر هستند. برطرف شدن نیازهای افراد و ایجاد احساس تعلق از سکونت در یک مکان، منجر به افزایش رضایت‌مندی و وابستگی در ساکنین خواهد شد. (Scannel & Gifford, 2010: 2). فرد با دل‌بستگی کلی به مکان^۱ می‌تواند در موقعیت‌های مختلف و دارای ویژگی‌های معین نیز رضایت داشته باشد (مک‌اندرو^۲، ۱۳۹۱: ۲۹۵). تعلق مکانی، شامل معناها و وابستگی‌هایی است که مکان‌ها را برای فرد ایجاد کرده و ارتباط میان مردم و اماکن را تعریف می‌کند. ابعاد مختلف اقتصادی، خانوادگی، زیبایی‌شناسی و معنوی را نیز شامل می‌شود (Semken, Freeman, 2008: 1043). در این راستا تاکنون پژوهش‌های فراوانی با موضوع رضایت‌مندی از محیط سکونت انجام شده‌است. اما در پژوهش‌های پیشین کمتر به موضوع رضایت‌مندی از عناصر شکل

۱ . Generic Place dependence

۲ . MC Andrew, Francis T.

دهنده تعلق خاطر کمتر پرداخته شده است. بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی میزان رضایت مندی شهروندان از عناصر شکل دهنده تعلق خاطر در شهرک مسکونی گلها در شهر رشت است. در واقع پژوهش در راستای پاسخ به این سوال انجام شد که در طراحی شهرک مسکونی گلها عناصر شکل دهنده به تعلق خاطر از دیدگاه ساکنان تا چه حد رعایت شده است.

از مشکلات شهرک گلها می‌توان به نبود نگهبانی، استفاده از ورودی شهرک به عنوان پارکینگ برای افراد غیرساکن در شهرک، از بین رفتن حریم و دشواری در دسترسی، وجود چندین زمین خالی و بلا استفاده در قسمت‌های مختلف شهرک و نبود مرکزی برای تجمع ساکنان، وجود پیاده‌روهای نامناسب از لحاظ ارتفاع و عرض در بعضی از مسیرها، سردرگمی در فضا و از همه مهم‌تر ضعف خوانایی در کل فضای شهرک، عدم سنخیت نمای خانه‌های جدید احداث شده با سایر بلوک‌ها، نبود میدان جهت تقسیم دسترسی‌ها، عدم توجه به زیباسازی محیط و تأمین روشنایی شب در فرعی‌های شهرک و قسمت‌هایی که تراکم فضای سبز بیشتر است اشاره کرد. اما از موارد بیان شده، مشکل وجود اراضی وسیع بلا استفاده از نقش پرننگ‌تری برخوردار است که باید در اولویت برای حل آن اقدام کرد.

مفاهیم نظری

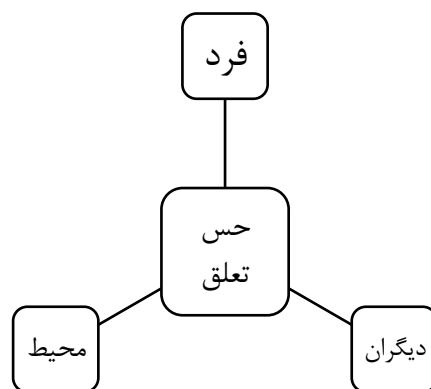
حس تعلق

حس مکان، ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاصی برای افراد و وابستگی آن‌ها به این مکان می‌گردد (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴). دل‌بستگی به مکان در محیط یک محله مسکونی، می‌تواند بازتابی از ارزیابی‌های عاطفی ساکنان، نسبت به آن محیط تلقی شود. مطالعات متعددی اثبات کرده‌اند که تعلق عاطفی به مکان می‌تواند نسبت به محیط فیزیکی و نیز محیط اجتماعی صورت پذیرد. البته برخی از مطالعات گزارش کرده‌اند که احساس تعلق به یک محیط فیزیکی حتی مستقل از تعاملات اجتماعی نیز امکان‌پذیر است. (مظلومی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). در این سطح (تعلق به مکان)، فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵) در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است.

مفهوم شناسی حس تعلق خاطر

تعلق با انرژی عجین شدن و کارایی حرفه ای است که مستقیماً نقطه مقابل فاکتورهای تحلیل رفتگی بوده و تعلق خاطر نیز مفهومی است که به تلاش داوطلبانه اطلاق می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰). عامل اساسی در ایجاد حس تعلق، زمان است که هرچه مدت زمان اقامت بیشتر باشد تعلق خاطر افزایش می‌یابد (قدمی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۵: ۲۸۴). طبیعت، روشنایی، تهویه، دیدومنظر، روابط همسایگی، دسترسی و حمل‌ونقل جهت ایجاد حس تعلق و رضایتمندی برای ساکنان در مجتمع‌های مسکونی نقش بسزایی دارند (تقی‌پور و تقوی، ۱۳۹۵). شاخص‌های ساختمانی و کالبدی، نحوه دسترسی‌ها به عنوان ویژگی سلسله‌مراتبی و زیرمجموعه‌ی حس تعلق می‌باشند و باید در طراحی مرکز محله، مورد توجه قرار بگیرند (Farkisch, Ahmadi, Che-Ani, 2015).

(56&57). انسان بر مبنای دو عامل انفعالی و کالبدی به مکان حس تعلق پیدا می‌کند. عواملی مانند ابعاد و اندازه‌ی فضاها، کیفیت مطلوب دسترسی به فضاهای داخلی و خارجی، وجود فضاهای ایمن و خوانایی محیط از طریق مشخص کردن حریم‌ها و حدود مالکیت باعث ارتقاء تعلق خاطر می‌شوند (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). مردم به مکان‌های دارای تسهیلات روابط اجتماعی، هویت جمعی، خوانایی، رضایتمندی و غیره تعلق خاطر پیدا می‌کنند. ویژگی‌های کالبدی از جمله سلسله‌مراتب دسترسی‌ها در فضا، طبیعت‌گرایی، خوانایی، جداره‌ها و همسایگی‌ها بر این تعامل تأثیرگذار هستند (نگین تاجی و مطلبی، ۱۳۹۴: ۱). جهت‌یابی، یکپارچگی بصری، تناسب و هماهنگی، اصلاح محیطی و انطباق رفتاری در ایجاد دل‌بستگی و تعلق خاطر مؤثر می‌باشند. واضح بودن مرزها و دسترسی‌پذیری بصری منجر به کاهش حس دل‌بستگی به مکان می‌شوند (پورافشاری و سهیلی، ۱۳۹۴: ۱). حس تعلق، دو بُعد کالبدی و اجتماعی دارد و از برآیند سه عامل فرد، دیگران و محیط ایجاد می‌گردد. عوامل کالبدی مؤثر بر احساس تعلق: نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسب، شخصی‌سازی، تناسب‌بصری، غنای حسی، سازگاری و ایمنی می‌باشند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل (۱). عوامل تشکیل‌دهنده حس تعلق خاطر

مأخذ: عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳.

رضایتمندی

رضایت در معانی لغوی خود در فرهنگ حمید به معنای رضا، راضی بودن، خشنودی از چیزی یا مکانی آمده است (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). رضایت وجود یک احساس مثبت است که در نهایت در مصرف‌کننده یا دریافت‌کننده ایجاد می‌شود (معمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۲) ایجاد حالت شادمانی، خشنودی و مطلوبیتی که در نتیجه تأمین نیازها و برآورد کردن تقاضاها و احتیاجات مراجعه‌کننده توسط ارائه‌کننده خدمت در مراجعه‌کنندگان ایجاد می‌شود. رضایتمندی گفته می‌شود (آزادخانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). رضایتمندی از معیارهای کلیدی سنجش میزان کیفیت محیطی مطرح شده است و بدین ترتیب کیفیت محیط را این‌گونه تعریف می‌کند. یک محیط با کیفیت بالا احساس رفاه و رضایتمندی به جمعیتش را با ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک باشد، منتقل می‌کند.

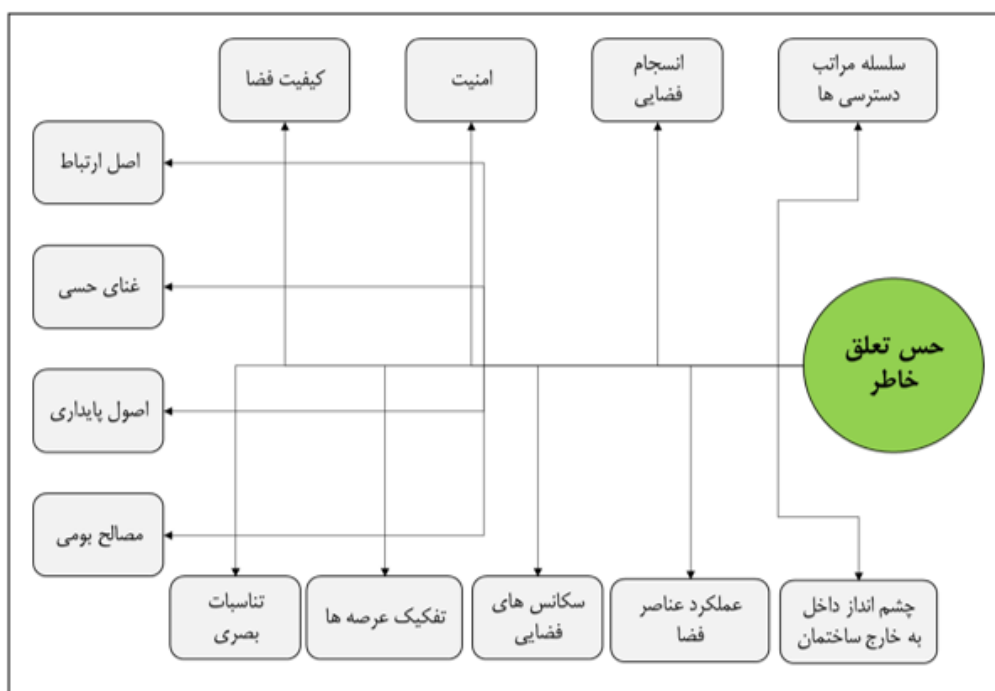
رضایت از محل سکونت معادل حس رضایتی است که فرد یا عضوی از یک خانواده از مسکن فعلی خود درک یا تجربه می‌کند (طبی‌مسرور و رضایی موید، ۱۳۹۴: ۶۳). «نظریه رضایتمندی سکونتی» به عنوان رهیافتی مناسب و کارآمد در سنجش میزان کیفیت محیط است: «یک محیط مسکونی با کیفیت القاکننده احساس رفاه و رضایت مندی به ساکنان از راه خصوصیات کالبدی، اجتماعی یا نمادین است.» (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۸). بررسی عوامل اثر گذار بر رضایتمندی از محیط مسکونی ابزاری برای ارزیابی میزان موفقیت پروژه‌های دولتی و خصوصی محسوب می‌شود (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰). مطابق با شکل شماره (۱) عوامل مؤثر بر رضایت، شامل عوامل شخصی، معماری و محیطی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. روابط متقابل و ارتباط با دیگران، هنجارهایی که مورد قبول باشند و خلوت خصوصی در مقابل استقلال و امنیت، نقش مهمی در اولویت‌ها در مورد سکونتگاه دارند. در یک نگاه عوامل معماری و محیطی را می‌توان به دسترسی‌ها، توده و فضا، سیمای شهری، محیط زیست، ویژگی‌های کمی و کیفی واحدها و امکانات تقسیم نمود. خانه‌ها در نقاط مختلف جهان بسیار متفاوت هستند و افراد ترجیح می‌دهند، در خانه‌هایی زندگی کنند که مطابق فرهنگ گذشته‌ی آن‌ها باشد (ذبیحی و رهبری منش، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

مطالعات صادقی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که از بین ۶ شاخص تسهیلات و امکانات رفاهی، سازماندهی، کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات اجتماعی، نوع دسترسی و دید و منظر، تنها دو شاخص نوع دسترسی و دید و منظر می‌توانند بیشترین تأثیر را در افزایش حس دل‌بستگی باشد. رضایی و کمائی زاده (۱۳۹۲) در مطالعه موردی سایت مسکن مهر فاطمیه شهر یزد به این نتیجه دست یافتند که میزان رضایتمندی ساکنین در حد متوسط بوده و آن‌ها از شرایط اقتصادی اظهار نارضایتی کردند. از نظر امنیت، روشنایی، تهویه و ویژگی‌های کالبدی رضایت داشتند و راهکارهایی به منظور بهبود طرح مسکن و ارتقاء تسهیلات ارائه گردید، از قبیل اختصاص قسمتی از اراضی به فضای سبز و زمین‌های بازی کودکان. همچنین مطالعات نقیبی و حسینی (۱۳۹۳) نشان داد که متغیرهای خلوت، تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت و وجود سلسله‌مراتب فضایی به ترتیب، به عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی در ارتقاء سطح رضایت ساکنان در مجموعه‌های مسکونی بیان می‌گردند. نگین تاجی و مطلبی (۱۳۹۴) این موضوع را مطرح کردند که مردم به مکان‌های دارای تسهیلات روابط اجتماعی، هویت جمعی، خوانایی، رضایتمندی و غیره تعلق خاطر پیدا می‌کنند. ویژگی‌های کالبدی از جمله سلسله مراتب دسترسی‌ها در فضا، طبیعت‌گرایی، خوانایی، جداره‌ها و همسایگی‌ها بر این تعامل تأثیرگذار هستند. هم‌چنین در پژوهش پورافشاری و سهیلی (۱۳۹۴) مشخص شد که جهت‌یابی، یکپارچگی بصری، تناسب و هماهنگی، اصلاح محیطی و انطباق رفتاری در ایجاد دل‌بستگی و تعلق خاطر مؤثر می‌باشند. واضح بودن مرزها و دسترسی-پذیری بصری منجر به کاهش حس دل‌بستگی به مکان می‌شوند. رضایی و نخعی (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مجتمع‌های مسکونی متعارف، محیط مسکونی مطلوب‌تری نسبت به نمونه‌های بلندمرتبه دارند. تراکم پایین، وجود فضای سبز و اثرات آن بر کیفیت‌های کالبدی-فضایی محیط، سایه‌اندازی کمتر بلوک‌ها بر هم، تأمین مقیاس انسانی و فضای باز، سهولت امداد و نجات در زمان وقوع بلایایی مثل زلزله و آتش‌سوزی باعث برتری مجموعه‌ی مسکونی متعارف نسبت به نمونه بلندمرتبه گردیده است. بهرام پور و مدیری (۱۳۹۴) با مطالعه شهرک کوثر به این نتیجه دست یافتند که شهرک کوثر از لحاظ کیفیت محیط و میزان حس تعلق در وضعیت

خوب قرار دارد و تبیین ارتباط میان فاکتورهای کیفیت محیط و احساس تعلق نشان می‌دهد که میزان رضایت از مدیریت شهرک بیشترین تأثیر را بر افزایش رضایتمندی و حس تعلق دارد. هم‌چنین در پژوهش بلیلان‌اصل و رهبرصباغی (۱۳۹۴) مشخص شد که از میان سه مؤلفه‌ی رضایت از فضای باز محیط، تمایل به تعاملات اجتماعی و میزان امنیت مجتمع مسکونی، مؤلفه‌ی سوم بر مبنای مطالعات، سطح رضایت بالاتری را دارا می‌باشد در مطالعه پژوهان و همکاران (۱۳۹۴) اثبات شد که ساکنان مسکن مهر از معیارهای دسترسی، حمل و نقل، روشنایی و تهویه اظهار رضایت داشتند. راهکارهای جهت ارتقاء رضایتمندی شامل ایجاد فضای سبز و زمین بازی کودکان، بهبود وضعیت بهداشتی به ویژه در راهروها و راه پله‌ها می‌باشد. طبی‌مسرور و رضایی‌مؤید (۱۳۹۴) نشان دادند که رضایت از کیفیت محیط سکونتی در سه شاخص اندازه و تسهیلات مسکن و شرایط درونی و برونی مجتمع تا حدودی معنی‌دار است و تجهیز فضاهای عمومی و سبز با انواع تجهیزات ورزشی و تفریحی، ایجاد کتابخانه و فضاهای ورزشی و غیره پیشنهاد می‌شود. هم‌چنین نیک‌شرف و اصغرزاده (۱۳۹۴) بیان کردند که فضای باز، مکملی برای فضای سبز در خانه‌های معاصر است و موقعیت‌هایی را برای رشد خلاقیت، معاشرت، تعامل اجتماعی و آرامش و تفریح برقرار می‌کند. مطالعات دانشپور و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که انسان بر مبنای دو عامل انفعالی و کالبدی به مکان حس تعلق پیدا می‌کند. عواملی مانند ابعاد و اندازه‌ی فضاها، کیفیت مطلوب دسترسی به فضاهای داخلی و خارجی، وجود فضاهای ایمن و خوانایی محیط، از طریق مشخص کردن حریم‌ها و حدود مالکیت باعث ارتقاء تعلق خاطر می‌شوند. قدمی و تقوی‌نسب (۱۳۹۵) در پژوهش خود این موضوع را بیان کردند که، حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی در سطح بالاتری می‌باشد. بعد کالبدی و اجتماعی نسبت به سایر شاخص‌ها بالاتر هستند. عامل اساسی در ایجاد حس تعلق، زمان است که هرچه مدت زمان اقامت بیشتر باشد تعلق خاطر افزایش می‌یابد. براساس مطالعات تقی‌پور و تقوی (۱۳۹۵)، طبیعت، روشنایی، تهویه، دیدومنظر، روابط همسایگی، دسترسی و حمل‌ونقل جهت ایجاد حس تعلق و رضایتمندی برای ساکنان در مجتمع‌های مسکونی نقش بسزایی دارند (تقی‌پور و تقوی، ۱۳۹۵). قاضی‌مقدم (۱۳۹۵) این موضوع را مطرح کرد که از جمله راهکارها در زمینه‌ی ارتقاء رضایتمندی، طراحی بالکن در جنوب و شمال، فضای عمومی بزرگتر از خواب، طراحی سالن ورزشی، فضای مناسب برای بازی کودکان برای محیط‌های مسکونی مناسب می‌باشد.

شاخص‌های ساختمانی و کالبدی، نحوه‌ی دسترسی‌ها به عنوان ویژگی سلسله‌مراتبی، زیرمجموعه‌ی حس تعلق می‌باشند و باید در طراحی مرکز محله، مورد توجه قرار بگیرند (Farkisch, Ahmadi, Che-Ani, 2015). در مقاله‌ای تحت عنوان "زندگی مردم در ساختمان‌های قدیمی: کیفیت زندگی و احساس تعلق" با هدف توسعه‌ی اقدامات محیطی مرتبط با مسکن (کیفیت مسکن، همسایگان، جامعه) و مکان تعلق و بررسی اثرات عوامل محیطی مرتبط با مسکن بر کیفیت زندگی بیان می‌کند که در هنک‌کنگ، اقدامات کیفیت زندگی (رضایت از زندگی، زندگی خانوادگی و سلامت) ضعیف بوده اما نه در همه‌ی موارد و برای ایجاد حس تعلق، عوامل محیطی نزدیک به خانه‌ی ساکنان (خانه و همسایه) تأثیر بیشتری نسبت به سایر موارد دارند (Ng, Kwong Kam, W.M. Pong, 2005). در مقاله‌ی "احساس تعلق به یک محله: می‌توانید آن را در حوزه‌ی سلامت و رفتار زنان مسن‌تر اندازه‌گیری کنید؟" با بررسی جنبه‌های محیط اجتماعی از زنان مسن‌تر در زمینه‌ی حس تعلق و احساس ایمنی، بیان می‌شود که احساس و درک بهتر از محله و محیط با سلامتی جسمی، روانی، کاهش استرس، افزایش حمایت اجتماعی و

فعالیت بدنی ارتباط مستقیم دارد و زنانی که در مناطق غیر شهری (روستا) و یا در محله، به مدت طولانی تری زندگی می کنند، از احساس تعلق بیشتری برخوردارند (Frances Young, Russell, Robyn Powers, 2005). مقاله‌ی "رضایت مسکونی، احساس تعلق و تنهایی در میان افراد مسن زندگی در جامعه و مراکز مراقبت" با هدف تجزیه و تحلیل تأثیر رضایت مسکونی و احساس تعلق در سن تنهایی افراد بیان می دارد که رضایت مسکونی مثبت تحت تأثیر حس تعلق خواهد بود و رضایت مسکونی منفی با تنهایی در محیط مسکونی همراه است (Prieto-Flores et al, 2011).

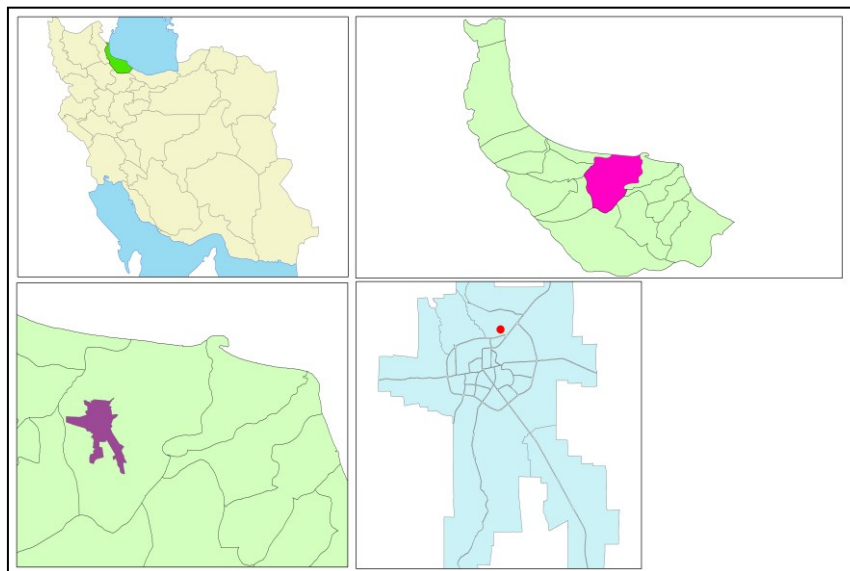


شکل (۲). مدل مفهومی عناصر شکل دهنده حس تعلق

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

قلمرو مکانی پژوهش حاضر، شهرک مسکونی در شهر رشت است. این شهرک در شمال شهر رشت واقع شده است. شکل (۳)، موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه را نشان می دهد. این شهرک در شرایط فعلی با مسائلی مواجه است که این مسائل رضایتمندی ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است. در این باره می توان به عدم توجه به زیبایی و رسیدگی به نمای ساختمان ها، وجود زمین های خالی و بلا استفاده در شهرک، روشنایی پایین معابر در شب و همچنین کمبود فضاهای عمومی و زمین های بازی برای کودکان اشاره کرد.



شکل (۳). جانمایی و موقعیت شهرک

داده و روش کار

روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی بوده، حجم نمونه بر طبق جدول مورگان، ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. به دلیل عدم اطمینان از پر کردن صحیح، تعداد ۴۲۰ پرسشنامه پخش شد که در نهایت ۳۸۶ پرسشنامه صحیح بود. برای تحلیل مناسب فضای شهرک از دو نرم‌افزار depth map و SPSS استفاده شده است.

نتایج

در بخش اول از بحث و یافته‌ها به تحلیل نتایج آزمون depth map پرداخته شده است. در واقع با استفاده از این آزمون، شاخص‌های چیدمان فضایی در بافت کالبدی شهرک مسکونی گلها بررسی خواهد شد. در بخش دوم نیز با استفاده از تحلیل‌های آماری فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

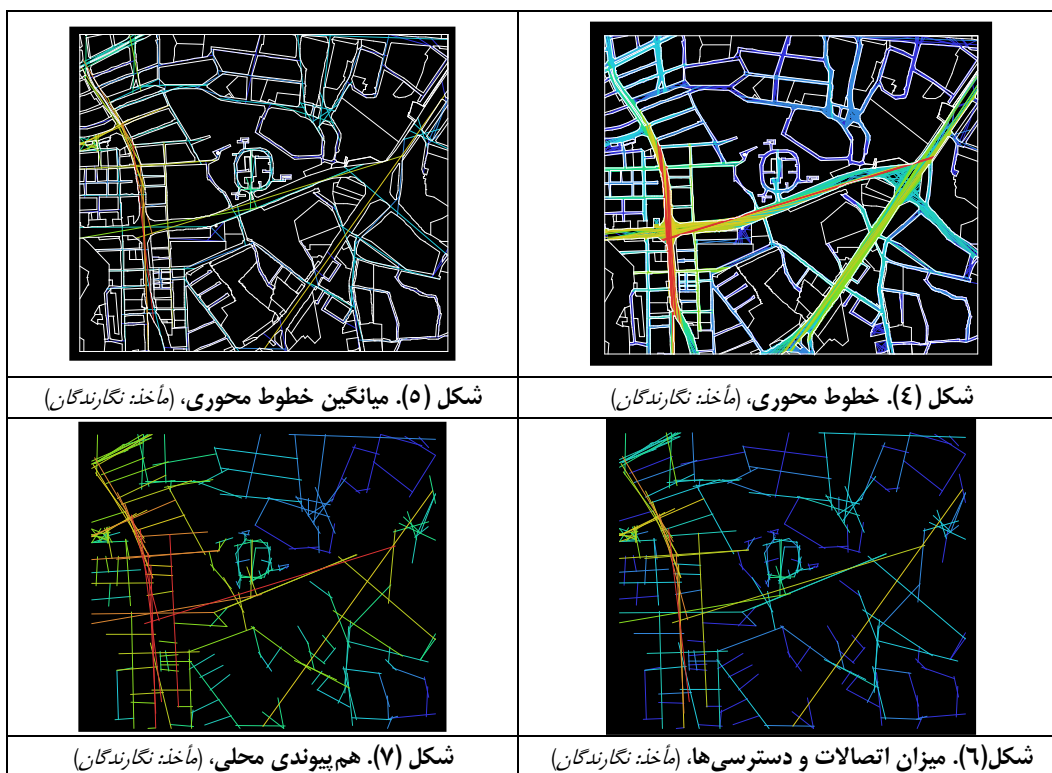
آزمون depth map

چیدمان فضایی، روشی است به منظور بررسی عملکردی و ویژگی‌های روانشناختی محیط در مسیرهای حرکتی و بصری، که در تحقیق حاضر، فرضیه‌ها فقط از جنبه‌ی حرکتی مورد تحلیل قرار گرفتند. با به‌کارگیری این روش، می‌توان به بررسی و شناخت بهترین شیوه در شکل‌گیری طراحی مورد نظر، جهت ایجاد بهترین محیط از لحاظ عملکردی پرداخت.

اولین شاخص، خط محوری است. نقشه محوری شامل ساختاری از مجموعه فضاهای باز شهری است که بر اساس طولانی‌ترین خط دید و دسترسی ایجاد شده است. این مجموعه شامل کلیه فضاهای عمومی شهر است. شکل (۴) و (۵). دومین شاخص میزان اتصالات^۱ است. همان‌طور که در شکل (۶)، مشاهده می‌شود، بیشترین میزان

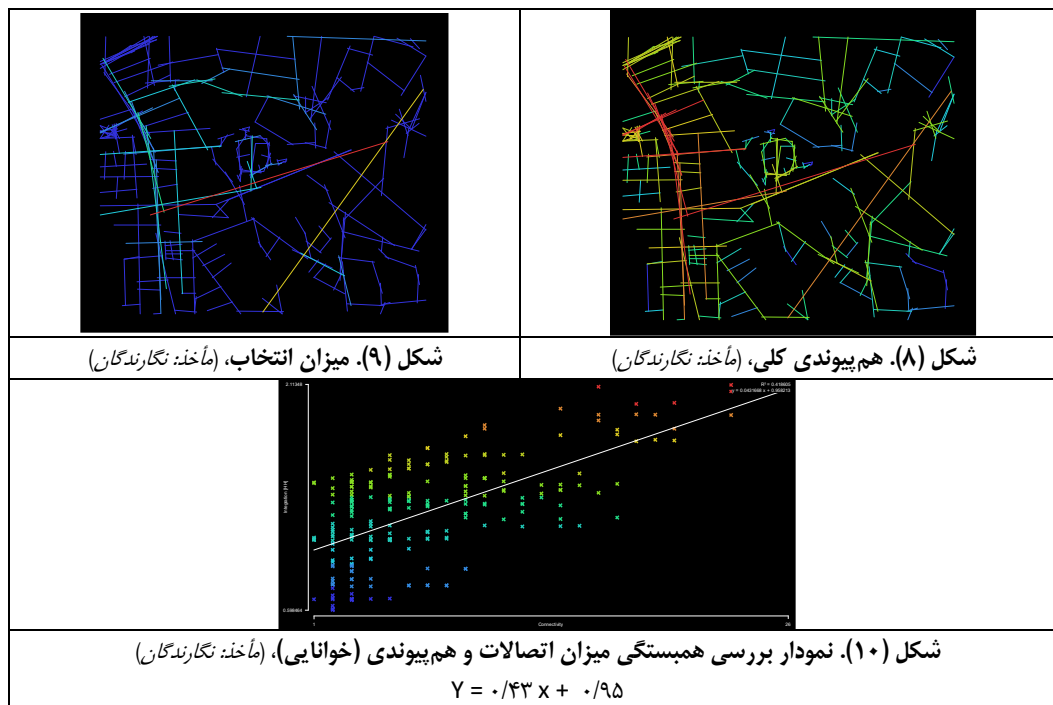
۱. connectivity

اتصال مربوط به خیابان سمت چپ به مقدار ۲۶ و کمترین میزان اتصال بصری، مرتبط با خیابان بلوار نماز با مقدار عددی ۲ می‌باشد. شهرک گلها دارای میزان اتصال و دسترسی متوسط با مقدار عددی ۱۲ می‌باشد. یکی دیگر از شاخص‌ها، هم‌پیوندی محلی و کلی^۱ است. طبق شکل‌های ۷ و ۸، شهرک گلها در مقیاس محلی دارای هم‌پیوندی ۱/۳۲ می‌باشد و حداکثر هم‌پیوندی نیز در این محدوده‌ی شهری، ۳/۵ است. براساس شکل شماره ۸، میزان هم‌پیوندی شهرک گلها در مقیاس کلی این محدوده‌ی شهری ۲/۷ می‌باشد و حداکثر میزان هم‌پیوندی کلی در این محدوده ۳/۲ است. براساس آنالیزها می‌توان نتیجه گرفت که شهرک گلها در مقیاس کلی دارای هم‌پیوندی اتصالی بالاتری می‌باشد. یکی دیگر از شاخص‌ها، میزان انتخاب^۲ است. براساس آنالیز صورت گرفته، مشاهده می‌گردد که خیابان متصل به ورودی شهرک، بیشترین میزان انتخاب و نفوذپذیری را با مقدار عددی ۲۳۴۰۰ دارد. ورودی شهرک نیز از میزان انتخاب ۷۷۰۱ برخوردار است (شکل ۹). آخرین شاخص خوانایی است. براساس شکل (۱۰)، بین هم‌پیوندی و میزان اتصال فضاهای این محدوده، همبستگی ۰/۴۱ وجود دارد و به این معنا است که بین این دو متغیر، همبستگی میانه و در نتیجه خوانایی میانه‌ای وجود دارد.



^۱. Integration

^۲. choice



آزمون تی تک نمونه‌ای

در راستای پاسخ دادن به سوال اصلی تحقیق، فرضیه‌ی کلی این گونه بیان می‌گردد که پاسخ دادن به کمبودها و نیازهای شهرک و به‌کارگیری اراضی بایر تا مقدار زیادی در راستای ایجاد حس‌تعلق و ارتقاء رضایتمندی تأثیرگذار است. بر همین مبنا فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردند:

فرضیه اول: توجه به غنای حسی در فضاهای خالی شهرک می‌تواند رضایتمندی را افزایش دهد.
 فرضیه دوم: توجه به امنیت در فضاهای باز شهرک در ارتقاء رضایت ساکنان مؤثر می‌باشد.
 فرضیه سوم: در نظر گرفتن عوامل کیفیت فضا در فضاهای باز شهرک باعث افزایش سطح رضایتمندی می‌گردد.
 فرضیه چهارم: تناسب بصری در شهرک گلپا در ایجاد تعلق خاطر و در نتیجه رضایتمندی افراد تأثیر دارد.
 برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، زیرمعیارها به این ترتیب عنوان شدند:

۱. تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی؛
۲. چشم‌انداز از داخل به خارج ساختمان؛
۳. وحدت و انسجام فضایی؛
۴. وجود سلسله‌مراتب در محیط و دسترسی‌ها؛
۵. سکانس‌های فضایی؛
۶. مشخص بودن عملکرد عناصر موجود در محیط؛
۷. به‌کارگیری مصالح ساختمانی متناسب با اقلیم؛

۸. اصول پایداری و توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگ منطقه در عناصر و مبلمان شهری؛
 ۹. ارتباط برقرار کردن با عناصر؛

همان‌گونه در بخش روش تحقیق اشاره شد، تعداد ۳۸۶ پرسشنامه توسط ساکنان شهرک مسکونی گله‌ها تکمیل شد. در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته شد تا وضعیت هر یک از شاخص‌ها را در قالب طیف لیکرت ارزیابی نمایند. در این مرحله پیش از انجام تحلیل‌های آماری، وضعیت پایی هر یک از متغیرهای اصلی و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ بررسی شده است. براساس نتایج به دست آمده در جدول (۱)، تمامی متغیرهای پژوهش دارای ضریب آلفای بزرگ‌تر از ۰/۷۰ هستند که نشان از پایایی پرسشنامه‌ها دارد.

جدول (۱). نتایج آلفا کرونباخ

شاخص	ضریب آلفا	شاخص	ضریب آلفا
غنای حسی	۰/۸۶	وجود سلسله‌مراتب در محیط و دسترسی‌ها	۰/۷۶
امنیت در فضاها	۰/۷۳	سکانس‌های فضایی	۰/۷۲
عوامل کیفیت فضا	۰/۸۵	مشخص بودن عملکرد عناصر موجود در محیط	۰/۸۷
تناسبات بصری	۰/۷۵	به‌کارگیری مصالح ساختمانی متناسب با اقلیم	۰/۸۱
تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی	۰/۷۲	اصول پایداری و توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگ منطقه در عناصر و مبلمان شهری	۰/۷۹
چشم‌انداز از داخل به خارج ساختمان	۰/۸۲	ارتباط برقرار کردن با عناصر	۰/۸۰
وحدت و انسجام فضایی	۰/۷۴		

مأخذ: نگارندگان

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول (۲)، ارائه شده است. به دلیل این که سؤالات پرسشنامه، دارای پنج گزینه برای انتخاب بوده است، میانگین فرضی برای این مؤلفه‌ها عدد "سه" قرار گرفته است که با مقایسه‌ی نتایج به دست آمده می‌توان بررسی نمود که از نظر نمونه آماری، بین میانگین متغیرهای مربوطه با عدد ۳ (حد متوسط) تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع تمام فرضیه‌ها و زیرفرضیه‌های تحقیق به غیر از زیرفرضیه‌ی شماره ۳ (وحدت و انسجام فضایی) بر مبنای نتایج جداول (۲ و ۳) دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ هستند.

بنابراین نتایج آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، از فرضیه‌ها، غنای حسی با اختلاف معنادار ۰/۲۲ و میانگین معیار ۳/۲۲، امنیت با اختلاف معنادار ۰/۳۰ و میانگین معیار ۳/۳۰، کیفیت فضا با اختلاف معنادار ۰/۲۷ و میانگین ۳/۲۷، تناسبات بصری با اختلاف ۰/۷۷ و میانگین ۰/۷۷ باعث افزایش رضایتمندی می‌گردند. براساس نتایج بدست آمده در زیرفرضیه‌ها، متغیر مشخص بودن عملکرد عناصر موجود در محیط با نمره میانگین ۳/۷۷ بیشترین تأثیر را در رضایتمندی از سکونت دارد. در همین رابطه متغیرهای وجود سلسله‌مراتب در محیط و دسترسی‌ها و ارتباط برقرار کردن کاربران با عناصر با عناصر نیز در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

جدول (۲). نتایج آزمون تی تک نمونه ای

فرضیه	متغیر	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین	اختلاف با میانگین
فرضیه‌های اصلی	غناى حسی	۴/۹۹	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۲۲	۰/۲۲
	امنیت در فضاها	۱۰/۴۷	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۳۰	۰/۳۰
	عوامل کیفیت فضا	۷/۰۳	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۲۷	۰/۲۷
	تناسبات بصری	۲۵/۷۶	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۷۷	۰/۷۷
زیرفرضیه‌ها	تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی	۹/۶۳	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۳۴	۰/۳۴
	چشم‌انداز از داخل به خارج ساختمان	۶/۳۸	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۲۸	۰/۲۸
	وحدت و انسجام فضایی	۱/۸۲	۳۸۵	۰/۰۷	۳/۱۰	۰/۱۰
	وجود سلسله‌مراتب در محیط و دسترسی‌ها	۲۲/۷۳	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۷۰	۰/۷۰
	سکاتس‌های فضایی	۱۰/۸۸	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۳۹	۰/۳۹
	مشخص بودن عملکرد عناصر موجود در محیط	۱۸/۴۵	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۷۷	۰/۷۷
	به‌کارگیری مصالح ساختمانی متناسب با اقلیم	۱۱/۰۲	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۴۵	۰/۴۵
	اصول پایداری و توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگ منطقه در عناصر و مبلمان شهری	۱۰/۵۳	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۴۳	۰/۴۳
	ارتباط برقرار کردن کاربران با عناصر با عناصر	۱۱/۱۱	۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۴۶	۰/۴۶

مأخذ: نگارندگان

آزمون فریدمن

با توجه به نتایج آزمون فریدمن، فرض یک که وجود دست کم دو الویت متفاوت را تعریف می‌کند، پذیرفته و فرض مقابل آن رد می‌شود. هم‌چنین با توجه به جدول (۳)، چون میانگین رتبه فرضیه چهارم (تناسبات بصری) از بقیه بیشتر است، لذا این فرضیه بیشترین رتبه را در میان پاسخگویان، در ایجاد رضایتمندی ساکنین شهرک داشته است. هم‌چنین زیرفرضیه‌ی (عملکرد عناصر محیط) و زیرفرضیه‌ی (محیط و دسترسی) نیز پس از تناسبات بصری در رتبه‌ی دوم و سوم قرار دارد. قابل ذکر است که زیرفرضیه‌ی (چشم‌انداز از داخل به خارج ساختمان) کمترین رتبه را دارا می‌باشد. جدول (۳).

جدول (۳). رتبه‌بندی فرضیه‌ها و زیرفرضیه‌ها

شماره رتبه	میانگین رتبه	متغیر	فرضیه
۱۲	۵/۲۶	غنای حسی	فرضیه‌های اصلی
۱۰	۵/۶۱	امنیت در فضاها	
۱۱	۵/۵۳	عوامل کیفیت فضا	
۱	۸/۳۴	تناسبات بصری	
۹	۵/۶۹	تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی	زیرفرضیه‌ها
۸	۵/۷۲	چشم‌انداز از داخل به خارج ساختمان	
۳	۸/۰۷	وجود سلسله‌مراتب در محیط و دسترسی‌ها	
۷	۶/۰۴	سکانس‌های فضایی	
۲	۸/۲۳	مشخص بودن عملکرد عناصر موجود در محیط	
۴	۶/۶۶	به‌کارگیری مصالح ساختمانی متناسب با اقلیم	
۶	۶/۳۱	اصول پایداری و توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگ منطقه در عناصر و مبلمان شهری	
۵	۶/۵۳	ارتباط برقرار کردن کاربران با عناصر با عناصر	

مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، اثرگذاری تعلق خاطر در راستای ارتقاء رضایتمندی ساکنان شهرک گلها از طریق نرم‌افزارهای space syntax و spss، مورد تحلیل قرار گرفته است. در نرم‌افزار UCL Depth Map، مؤلفه‌های نفوذپذیری، اتصالات و دسترسی‌ها، هم‌پیوندی و تأثیرگذاری آن بر امنیت و خوانایی، مورد بررسی کالبدی قرار گرفته‌اند. براساس آنالیزهای صورت گرفته، مشاهده گردید که میزان اتصالات در محدوده‌ی شهرک گلها، متوسط و میزان هم‌پیوندی، چه در سطح محلی و چه در مقیاس کلی، در حد میانه می‌باشد. فضاها دارای هم‌پیوندی پایین، از عمق فراگیر بیشتری برخوردارند و این امر موجب جدایی فضای شهری و کاهش امنیت می‌گردد. بنابراین میزان امنیت و خوانایی شهرک گلها در حد میانه می‌باشد. خیابان گلزار نسبت به بلوار نماز سطح دسترسی بیشتری دارد. این اتصالات در محوطه‌ی شهرک نسبت به ورودی آن و در خیابان بلوار نماز کمتر است. هم‌چنین نفوذپذیری بلوار نماز نسبت به شهرک گلها بیشتر می‌باشد. در نرم‌افزار spss هم از قسمت فرضیه‌ها، اولویت با رعایت تناسبات بصری بوده است و توجه به کیفیت فضاها، باز، غنای حسی و امنیت در مراحل بعدی قرار دارند. زیرا فاکتورهای مانند امنیت طبق آزمون space syntax در سطح میانه بوده و افراد و ساکنین در محیط شهرک احساس خطر نمی‌کنند. از زیرفرضیه‌ها هم به ترتیب، مشخص بودن عملکرد عناصر، سلسله‌مراتب، تنوع کاربری‌ها و ارتباط برقرار کردن با محیط درون شهرک باید مورد توجه بیشتری قرار بگیرند. زیرا بر اساس تحلیل‌های آماری، میزان خوانایی و نفوذپذیری شهرک متوسط بوده است. سایر معیارها در رتبه‌های بعدی قرار دارند که توجه و پیاده کردن آن‌ها به وسیله‌ی تمهیداتی، سبب ارتقاء رضایتمندی ساکنان خواهد شد. بنابراین از مطالعات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که میزان تعلق‌پذیری شهرک، متوسط می‌باشد. راهکارهایی پیرامون ایجاد و تقویت حس تعلق به منظور افزایش رضایتمندی در شکل زیر ارائه گردیده است (شکل (۱۱)). در پایان پیشنهاد می‌گردد که جنبه‌های دیگر این پژوهش، از جمله فضاها، مکث و حرکتی، خلوت و هویت به صورت دقیق مورد مطالعه قرار

گیرند تا فضاهای جمعی سکونت با کمترین نقص، به منظور آسایش شهروندان در راستای کاهش هزینه‌ها و دوام بناها در محیط احداث گردند.

تعلق منجر به رضایتمندی

تناسبات بصری	غناى حسی	کیفیت فضا	امنیت	نقوذپذیری	خوانایی
عدم وجود عناصر زائد و افشاشات در محیط شهرک (جداره های با کیفیت) توجه به مقیاس انسانی	توجه و اصلاح اسفالت و مسبرهای شهرک و کاربری‌ها کاهش ارتفاع آن جاگذاری مناسب کاربری ها به منظور جلوگیری از آلودگی صوتی ترتیب محیط با نورپردازی که در بالا بردن ارتباطات در شب و امنیت هم تأثیرگذار میباشد.	در نظر گرفتن مسیر دوچرخه سواری به ویژه برای کودکان که به امنیت هم مرتبط میگردد. به کارگیری زمین های خالی به ویژه زمین بایر مجاور بخش تقسیم ورودی شهرک با کاربری هایی مانند مدیریت شهرک، پارک و فضاهای تعاملی مانند نمایشگاه، باشگاه، فضا گردهمایی و در نظر گرفتن دسترسی مناسب به آن ها که بر معیار انعطاف پذیری هم اثر دارد. ایجاد مسبرهای اضطراری مانند مسیر تردد ماشین آتش نشانی	وجود نگهدارندهایی برای جلوگیری از ورود افسراد و خودروهای متفرقه به شهرک به منظور آرامش و امنیت و عدم شلوغی بیش از حد توجه به زیباسازی محیط و توجه به فضای سبز به منظور برقراری امنیت روانی که بر معیار دید و منظر هم مؤثر میباشد. استفاده از دوربین در فضاهای باز شهرک از جمله مکان های جمعی	پرهیز از فضاهای رها شده در شهرک توجه به کالبد بناها و هماهنگ بودن نماها به کارگیری الگوهای معماری بر روی جداره که از طرفی بر روی خوانایی و غنای حسی هم اثر دارد.	چیدمان بلوک ها به ترتیب شماره از بنو ورود تهیه نقشه از موقعیت قرارگیری بناها در شهرک به منظور عدم سردرگمی در شهرک در نظر گرفتن فضاهای مکت در محیط های باز و تقریبی شهرک جلوگیری از انبوه سازی در شهرک

شکل (۱۱). راهکارهای مطرح شده

مأخذ: نگارندگان

منابع

- آزادخانی، پاکزاد؛ جاسمی، علی؛ و آزادی، یونس. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط شهری (مطالعه موردی: شهر ایوان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۴ (۱۶): ۳۵-۴۸.
- ایزدی، حسن؛ برزگر، سپیده؛ پاکشیر، عبدالرضا؛ و حاجی پور، خلیل. (۱۳۹۳). سنجش ارزش های محیطی اثرگذار بر رضایتمندی از محل سکونت، مورد شناسی: محدوده عالی آباد شیراز. جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، (۱۱): ۴۹-۶۶.
- بیلان اصل، لیدا؛ رهبر صباغی، شادی. (۱۳۹۴). بررسی میزان رضایتمندی کاربران از مجتمع های مسکونی معاصر مطالعه موردی: (مجتمع مسکونی شفیق زاده و ونک تبریز). اولین کنفرانس علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین: ۱-۱۲.
- بهرام پور، عطیه؛ و مدیری، آتوسا. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران. نشریه معماری و شهرسازی هنرهای زیبا، ۲۰ (۳): ۸۵-۹۴.

- پژوهان، موسی؛ نظری، ولی الله؛ رحمانی، آرش؛ و شیرخانی، مهدی. (۱۳۹۴). ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مجتمع های مسکن مهر مطالعه موردی: سایت مسکن مهر مهرگان قزوین. اولین همایش علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین: ۱۱-۱.
- پورافشاری، حمیدرضا؛ سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فضای باز در مجتمع های مسکونی بر ایجاد حس تعلق ساکنین (مطالعه موردی ساختمان های مسکونی بانک مسکن منطقه ۲ شهر قزوین). کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز: ۹-۱.
- تقی پور، ملیحه؛ و تقوی، علی اصغر. (۱۳۹۵). بررسی میزان تاثیر طبیعت بر زندگی ساکنان مجتمع های مسکونی با رویکرد افزایش حس تعلق (نمونه موردی مجتمع های مسکونی غزال ۱ و یاس ۲ شهر شیراز). پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی لندن - انگلستان: ۱۲۰۶-۱۱۹۳.
- حاجی حسینی، مهدی؛ و شهابیان، پویان. (۱۳۹۱). بررسی میزان رضایتمندی سکونتی در محله سهیل تهران. مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر، (۱۳): ۲۷۳-۲۵۹.
- ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ و رهبری منش، کمال. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع های مسکونی و تأثیر مجتمع های مسکونی بر روابط انسان، مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی تهران. هویت شهر، ۵ (۸): ۱۱۸-۱۰۳.
- دانشپور، علیرضا؛ باستانی، رسول؛ صفری، شیما؛ و فرخی، مهسا. (۱۳۹۴). بررسی حس تعلق در مجتمع های مسکونی نمونه ی موردی: مجتمع مسکونی مهندسیین و پردیس شیراز. سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ۱۲-۱.
- رضایی، مهران؛ و نخعی، ایراندخت. (۱۳۹۴). بررسی حس رضایت ساکنین و تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی به همراه بررسی دو نمونه موردی مجموعه ی مسکونی بلند مرتبه اسکان و متعارف نور. سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ۱۲-۱.
- رضایی، محمدرضا؛ و کمائی زاده، محمدرضا. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مجتمع های مسکن مهر مطالعه ی موردی: سایت مسکن مهر فاطمیه شهر یزد. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۵): ۲۵-۱۳.
- رفیعیان، مجتبی؛ امین صالحی، فرزین؛ و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۹). سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران. مدرس علوم انسانی، برنامه ریزی و آمایش فضا، ۱۴ (۴): ۸۵-۶۳.
- زیاری، کرامت اله؛ مهدیان بهنمیری، معصومه؛ مهدی، علی. (۱۳۹۲). بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره مندی از خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳ (۲۸): ۲۴۱-۲۱۷.
- سجادزاده، حسن؛ شریفی، عادل؛ اسدی، محمدعلی؛ و شریفی، ندا. (۱۳۹۴). دل بستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی (نمونه موردی: محله حاجی همدان)، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶ (۲۲): ۱۵۲-۱۳۹.

- شعبانی، محمدمهدی. (۱۳۹۵). تأثیر شاخصه‌های اجتماعی بر رضایتمندی ساکنان مناطق مرکزی پاریس. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۴ (۱۲): ۶۰-۵۱.
- صادقی فرشته، رویا؛ دانشگر مقدم؛ و گلرخ. دژدار، امید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان). فصلنامه مدیریت شهری، (۳۰): ۲۶۴-۲۵۳.
- طبی مسرور، ابوالقاسم؛ و رضایی موید، صادق. (۱۳۹۴). ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت‌های سکونت‌ی در مجتمع‌های مسکونی؛ مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان. مدیریت شهری، (۴۰): ۸۰-۶۱.
- عباس زاده، شهاب؛ میرخطیب، اسماء؛ و معصومی، مسیح‌الله. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های کالبدی در حس تعلق به مکان (نمونه‌ی مورد مطالعه: مجتمع مسکونی نسترن در شهر زاهدان). نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی-اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران: ۱۳-۱.
- قاضی مقدم، خاطره. (۱۳۹۵). ارزیابی حس رضایتمندی ساکنین مجتمع‌های مسکونی با استفاده از شاخص-های رضایتمندی کالبدی (مطالعه موردی: مجموعه‌ی مسکونی گلدشت معالی‌آباد). اولین کنفرانس ملی رویکردهای معماری و شهرسازی پیش رو، کرمانشاه: ۱۴-۱.
- قدمی، الهام؛ و تقوی نسب، زین‌العابدین. (۱۳۹۵). نمودپذیری حس تعلق به مکان در محلات قدیم و جدید: نمونه موردی محلات ابوذر و امام حسین شهر یاسوج. پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، سنگلاپور، ۲۵ آذر ۱۳۹۵: ۲۸۴-۲۷۰.
- قاسمی، حمیدرضا؛ جهانگیری موموندی، بابک. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تعلق خاطر بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان. فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، ۲ (۳): ۴۲-۲۵.
- مشکینی، ابوالفضل؛ مؤذن، سهراب؛ و نوروزی، مصطفی. (۱۳۹۴). سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای کوچک استان آذربایجان شرقی. دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۶ (۲): ۳۲-۱۷.
- مظلومی، سید مازیار. (۱۳۸۹). تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱ (۳): ۱۵۰-۱۳۱.
- مک اندرو، فرانسیس تی. (۱۳۹۱). *روانشناسی محیطی*. مترجم: غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات وانیان.
- معینی، مهدیه. اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۹۱). رویکرد تحلیلی به کیفیت محیط مسکونی معاصر. هویت شهر، ۶ (۱۰): ۵۸-۴۷.
- معتدلی محمد، رسولی سیدحسن، نصیری محمد. (۱۳۹۸). ارزیابی میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری در حوزه خدمات شهری، مطالعه موردی: شهر فاروج. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۹ (۵۵): ۹۹-۱۱۶.
- نقیبی، نجمه؛ و حسینی، سیدباقر. (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی در ارتقاء رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی. مجله معماری و شهر پایدار، ۲ (۲): ۲۵-۱۵.

- نگین تاجی، فروغ؛ و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۴). ارتقاء حس تعلق کالبدی و اجتماعی در طراحی مجتمع‌های مسکونی. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز: ۱-۱۱.
- نیک شرف، هنگامه سادات؛ و اصغر زاده، علی اصغر. (۱۳۹۴). تأثیر طراحی فضای باز مجتمع‌های مسکونی امروزی در جهت ایجاد حس رضایتمندی در ساکنین. کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز: ۸-۱.
- Barresi, A., & Pultrone, G. (2013). **European strategies for smarter cities**. *Tema. Journal of Land Use, Mobility and Environment*, 6(1), 61-72.
- Gargiulo, C., Zucaro, F. (2015). **Smartness and urban resilience. A model of energy saving**. *Tema. Journal of Land Use, Mobility and Environment*, 8 (Special Issue ECCA 2015), 81-102.
- Farkisch, H., Ahmadi, V., Che-Ani, A.I., (2015), **Evaluation of neighborhood center attributes on resident's territoriality and sense of belonging a case study in Boshrooyeh, Iran**, Original Research Article, *Habitat International*, October 2015, 49: 56-64.
- Frances Young, A., Russell, A., Robyn Powers, J., (2005), **the sense of belonging to a neighborhood: can it be measured and is it related to health and wellbeing in older women?**, Original Research Article, *Social Science & Medicine*, 59 (12): 2627-2637.
- Ng, S H., Kwong, K., Ping, W.M., & Pong, R., (2005), **People living in ageing buildings: Their quality of life and sense of belonging**, Original Research Article, *Journal of Environmental Psychology*, 25 (3): 347-360.
- Prieto-Flores, ME., Fernandez-Mayoralas, G., Forjaz, MJ., Rojo-Perez, F., & Martinez-Martin, P., (2011), **Residential satisfaction, sense of belonging and loneliness among older adults living in the community and in care facilities**, Original Research Article, *Health & Place*, 17 (6): 1183-1190.
- Semken, S., Freeman, C. B., (2008), **Sense of place in the practice and assessment of place-based science teaching**. *Science Education*, 92(6), 1042-1057. DOI: 10.1002/sci.20279.
- Scannell, L., Gifford, R., (2010), **Defining place attachment: A tripartite organizing**, *Journal of Environmental Psychology*, Elsevier BV, 30 (1): 1-10.